

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

در حاشیه نتایج غیر قابل پیش‌بینی تصمیم‌گیری‌های پنتاگون

چگونگی دستیابی به موفقیت و نحوه دستاوردهای و اشنگتن در جنگ کنونی
دلایل عدم تأمین تسلط ایالات متحده بر سرزمین افغان‌ها

فراخواندن نظامیان امریکایی در طول مدت زمان چندین سال
تمرکز بر منافع ملی ایالات متحده در منطقه
تقلیل قوت‌های نظامی و تغییر تناسب قوا
ترک مرکز تقاطع آسیا یا ماندگار شدن؟

کاربرد اصطلاح سیاسی استعمار، بگونه ویژه‌ای متوجه شیوه‌های رفتار کشورهای از نظر سیاسی توانمند با سرزمین‌های مستعمراتی است. استعمارگری بیشتر کارکشور هابست که امپراطوری دریایی و ناپیوستگی خاک آنها مانع تشکیل یک واحد سیاسی یکپارچه می‌شود. استعمار یعنی قدرتی که می‌خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین‌ها و ملت‌ها و اقوام دیگر را زیر تسلط خود درآورد. تاریخ مفهوم جدید استعمار از سده‌های ۱۶ و ۱۷ آغاز می‌شود. تاریخ، استعمار را به چهار دوره تقسیم کرد: سه دوره نخست مجموعاً تحت عنوان استعمار کهن قرار می‌گیرند. استعمار دوره اول: عصر باستان؛ استعمار دوره دوم: دوران جهانی؛ استعمار دوره سوم: استعمارگری سده‌های ۱۹ و ۲۰ و استعمار نو.

دونالد ترامپ در آستانه ورود به کاخ سپید، بر ضرورت فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان تأکید ورزیده و وعده داده بود که با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، وعده متذکره را از قوه بفعول مبدل خواهد نمود. نامبرده همچنان اظهار داشت که کشورش میلیاردها دلاری را که بمنظور جنگ در افغانستان اختصاص داد، با ید در جهت تقویت اقتصاد ایالات متحده هزینه می‌گردید. وی همچنان علاوه نموده افزود که نظامیان ایالات متحده باید بخانه برگردند. بسیاری‌ها چنین می‌پندارند که بمشکل بتوان خروج کامل قوت‌های نظامی امریکایی از افغانستان را حتا تصور هم نمود، چه ایالات متحده از تداوم حضور فعال کارکنان اطلاعاتی و استخباراتی آن کشور در اراضی افغانستان و حتا از استفاده و بکارگیری دستجات شخصی و شرکت‌های خصوصی جنگی در کشور ما نیز خبر داده است.

ایالات متحده و هم‌پیمانانش با اجرای عملیات نظامی و بخاک و خون کشیدن افراد ملکی کشور ما، پیوسته قربانی‌های بیشمار نظامیان را نیز سبب می‌گردد. انفجارها در کابل، شهرها و محلات مختلف کشور ما باین دلیل بوقوع می‌پیوندد که ایالات متحده قادر به نظارت بر تمامی کشور ما اصلن نمی‌باشد. در مجموع، بسیار ساده با ایجاد و تشکیل "نقاط امنیتی" مبادرت ورزیده اند و نه بیشتر از آن. از مدتی بدینسو، اظهاراتی بگوش می‌رسد که "ایالات متحده، بیشتر از این، از افغانستان رخت سفر برمی‌بندد."

اگر چنین بیاندیشیم که پنتاگون در مورد فراخواندن نظامیان ایالات متحده از افغانستان تصمیم اتخاذ نموده است،

این یک جهت مسأله، اما در قبال این پرسش تاکنون پاسخ قناعت بخشی ارائه ننموده اند که آیا واقعاً نظاً میان امریکایی سرزمین کشور ما را ترک می نمایند؟ یا در مورد سرنوشت و بود و نبود نظامیان یادشده متردد و دودل می باشند؟

همه ناظران اوضاع کشور ما باین امر متفق الرأی هستند که واشنگتن در طول مدت زمان دو دهه قادر به تسلط و استیلا بر افغانستان نگردید، در اینجا اصل دورنمای ستراتیژیک قضایا را نباید فراموش نمود. نقطه تقاطع آسیا را امریکایی ها هرگز ترک نخواهند نمود، قبل از همه و بیش از سایر موارد، در این باره بر منافع ملی ایالات متحده تمرکز صورت می گیرد.

بخاطر داریم که در آغاز زمستان سال پار، واشنگتن تعداد نظامیان موجود امریکایی در افغانستان را به نصف تقلیل داده و در نظر دارد تا در طول مدت زمان پنج سال، همه نظامیان یادشده را از سرزمین کشور ما فراخواند. در صحبت ها و بیانیه های دونالد ترامپ با نکات و موضوعات جالب توجهی بر می خوریم. دونالد ترامپ از موجودیت و تداوم فعالیت ها و عملکردهای قوت های نظامی کشورش در افغانستان یادآوری بعمل آورد. وی طی مصاحبه ای با خبرنگار فوکس نیوز اظهار نمود که دوست دارم تا نظامیان امریکایی را از سرزمین افغانستان فرا خوانم، رئیس جمهوری ایالات متحده همچنان افزود که اما سرزمین افغانها مملو از معضلات حل ناشده و موجودیت ذخایر سرشار طبیعی خفته در دل آن کشور و همچنان حضور و موجودیت جنگجویان طیفهای مختلف و عوامل عدیده دیگر، ایالات متحده را ناگزیر به حضور فعال در آن کشور (افغانستان) نموده تا وضعیت را تحت نظر داشته و از روی کار آمدن مجدد جهادست ها جلوگیری بعمل آورد.

وزیر دفاع ایالات متحده نیز در مورد فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان ابراز نظر نموده و اما در مورد تاریخ دقیق آغاز خروج نظامیان متذکره سخنی نگفت.

در این مورد قابل یاددهانی می باشد که وسایل اطلاعات جمعی بصورت یک گل، در انعکاس گفته ها و اظهارات مقامات مسؤل نظامی و دیپلوماتیک کشورها بمفهوم وسیع کلمه، باید نهایت دقت بخرچ داده، حدود معین را حفظ و مرز و حدهای پذیرفته شده در مورد باید بگونه جدی در نظر گرفته شده و مراعات گردد. همچنان وزیر نامبرده اظهار داشت که ایالات متحده، فعالیت های اپراتیفی و عملیاتی در افغانستان را تقلیل خواهد بخشید. در ادامه اظهار نمود که اینکار هرچه زودتر جنبه عملی اختیار نماید، بهمان پیمانانه بنفع ایالات متحده و شراکیش خواهد بود. بگفته نامبرده، ملاقات و گفتگوهای جانب هیأت افغانی با "طالب" ها همچنان ادامه خواهد نمود. طرف های مطرح، سعی خواهند ورزید تا بمنظور دستیابی به صلح و آشتی که به خروج قوت های نظامی خارجی نیز بیانجامد، زمینه انجام مذاکرات بین الافغانی را مساعد و مهیا نمایند.

تاریخ دقیق فراخوانی نظامیان امریکایی از کشور ما تاکنون معین نگردیده، اما واشنگتن تصمیم دارد تا چنین خروجی هرچه زودتر آغاز گردد. موضوع فوق را وزیر امور خارجه ایالات متحده، طی مصاحبه ای با خبرنگاران اظهار داشت. قبل بر این، وزیر امور خارجه ایالات متحده اظهار نموده بود که کشورش در صدد تقلیل نظامیان آن کشور بوده و در زمینه سعی می ورزد تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ ایالات متحده، حضور نظاً میان کشورش در افغانستان، تقلیل قابل ملاحظه ای حاصل نماید.

این، کاملن واضح و مبرهن می باشد که خروج کامل قوت های نظامی امریکایی از سرزمین کشور ما جنبه عملی بخویش اختیار نخواهد نمود، اما بیانیه ها و اظهارات ضد و نقیض، بخودی خود انعکاس دهنده معادله دشوار و منعکس کننده مقاصد و اظهاراتی می باشد که از تعادل منافع ایالات متحده و بسیاری از حامیان تداوم عملیات نظاً می در کشور ما نمایندگی می نماید.

اما نماینده ایالات متحده و "طالب" ها در مورد تسریع گفتگوها در خصوص خروج نظامیان امریکایی از کشور ما به توافقاتی نایل گردیدند. مطابق گزارش های ارائه شده وسایل اطلاعات جمعی کشور قطر، هیأت نمایندگی ایالات متحده با "طالب" ها در دوحه، با انجام هفتمین دور مذاکرات و گفتگوهای متذکره در مورد فراخواندن نظامیان

امریکایی به توافقات معینی نیز نایل گردیدند. همچنین طرف های شرکت کننده درکنارخروج نظامیان امریکایی با توافق کامل باین مأمول نیز دست یافتند تا سرزمین و اراضی افغانستان بر علیه منافع ایالات متحده و یا کشور دیگری نباید مورد استفاده قرار گیرد. طرفین مذاکره کننده همچنان درمورد دیالوگ و گفتگوهای بین الافغانی و تداوم مذاکرات بمنظورحل و فصل صلح آمیز مسایل مربوط به کشورما نیز به تفاهم هایی نایل گردیده و ازاین مسأله نیز یادآوری بعمل آوردند که هیأت نمایندگی امریکایی و "طالب"ها آماده اند تا در زمینه دستیابی به نتایج معین و مشخص مسایل مورد بحث، جد و جهد ورزند.

طرف های شرکت کننده، درروند قبلی مذاکرات، آمادگی شان را در مورد خروج نظامیان امریکایی اعلام نمودند، اما مذاکرات یادشده بدون دستیابی به توافق و تفاهمی درزمینه به پایان رسید.

"طالب"ها به حملات شان برمناطق ومحلات روستایی کشورهمچنان ادامه داده وشهرهای بزرگ رانیزمورد تهدید قراردادند. درصورت ادامه زد وخورده، سال های متمادی لازم است تاقتوتهای دولتی باجنگجویان "طالب" به مبارزه مسلحانه ادامه دهند. افراط گرایان به غارت هموطنان شان وچوروچپاول وتخریب دارایی های عامه همچنان ادامه داده ودهقا نان محلی وبازرگانان کوچک را نیزمورد انواع تهدید وشانتاژقراردادند.

یگانه وجوه تمایز "طالب"ها با باندیست ها، موجودیت زمینه های افراطی در زندگی روزمره آنهاست. درفش سپید، اندازه گیری درازنای ریش، تهدیدهای اجباری بمنظورپذیرش اسلام، تحکم موازین شرعی، دینداری و... فشار فزیک و روحی، از همان نخستین ساعت ها وروزهای حاکمیت طالبانی درکشور، آغاز گردید. دست و پا قطع کردن ها واعدام ها وبدارآویختن ها درملای عام، به جزکارهای روزمرگی آنها مبدل گردید.

زمانی که زندگی انسانی به تارمویی آویخته باشد و مجرمین را برای چندمین مراتبه بمنظوراعدام انتقال داده باشند، همه چیزواقعیتهای موجود دوروپیش، متفاوت بنظرمی رسند، حتا ترس وپشیمانی وجود نداشته، اما همه دوست دارند کمی بیشترزندگی نموده وازنعمات حیات برخوردارگردند.

نباید فراموش خاطرما گردد که نماینده های "طالب"ها و هیأتی ازفدراسیون روسیه طی ملاقات وگفتگوهایی به ضرورت فراخوانی نظامیان امریکایی از اراضی افغانستان تأکید بعمل آوردند. ملاقات متذکره درمسکو پس از شکست مذاکرات وملاقات های مستقیم ایالات متحده با "طالب"ها راه اندازی گردید.مذاکرات یادشده بگونه غیر رسمی توسط دیپلومات های روسی و سازمان "دیپلوماسی افغانی در روسیه"سازماندهی گردید که درنوع خود، یک رویداد غیررسمی پنداشته می شود.

حادثه فوق، بخودی خود، نشاندهنده نزول و سقوط رهبری واشنگتن درمنطقه محسوب می گردد، این درحالی اتفاق افتاد که "طالب"ها تأسیسات امریکایی درکشورما را مورد حملات پیهمی قراردادند.دراصل نباید فراموش نمود که وضعیت موجود حکم می نماید تا بمنظوراعمار آینده کشور با مشکلات وچالش های موجود، باید بگونه قاطعانه مبارزه و مقابله صورت گیرد. این مشکلات گونه گونه اند ومتنوع.

سرنگونی "طالب"ها توسط قوت های نظامی ایالات متحده بدلیل پناه دادن "القاعده" در اراضی افغانستان، آغاز شد واما اکنون جهان وجهانیان همه شاهدند که قضایا ونحوه سیرتکوین حوادث کنونی درکشور، درجهت ومسیر کاملن متفاوتی سیرمی نماید. "طالب"ها درشرایط کنونی، بربخش هایی از اراضی کشورتسلط و حاکمیت داشته و بمثابه "بازیکن دیپلوماتیک" وارد عرصه ومیدان رقابت های کنونی گردیده اند. درعین زمان، مطابق اطلاعات داده شده، گروه اخیرالذکر، متحمل تلفات جانی ومالی نیزگردیده اند. بعقیده بسیاری از نهادهای موجود ملی وبین المللی، حل و فصل قضایای کنونی کشورما، راه حل نظامی نداشته، بلکه یگانه راه ممکن، بگونه قطع، حل و فصل صلح آمیز قضایا از طریق دیالوگ و گفتگوهای مستقیم نماینده های حاکمیت سیاسی کشور، نهادهای اجتماع، احزاب سیاسی با "طالب"ها، امکان پذیرمی باشد. چنین مأمولی صرف با بکارگیری و کاربرد راهای دیپلوماتیک و صلح آمیزقابل حصول بوده وزمینه های دستیابی بآن امکان پذیرمی باشد.

درشرایط و وضعیت کنونی، مناسبات وارتباطات میان نیروهای از لحاظ سیاسی مختلف و متفاوت، بخشی از

ستراتژی های بزرگ را تشکیل می دهد. گرچه ستراتیژی های مطرح بر بنیاد الگوهای قبلی "قدرت نرم" استوار نمی باشد، اما نمونه های جدید و نوین دیپلوماسی قدرت نرم باید بکار گرفته شود که چنین وضعیتی، به یقین کامل موفقیت هایی را بدنبال خواهد داشت.

با وجود آنکه، تقابل و رویارویی قدرت های عظیم شرق و غرب اکنون بتاریخ پیوسته، اما نباید فراموش خاطر ما گردد که به موازات تحمل تلفات و تضعیف مواضع ایالات متحده در شرق میانه، موقف آن کشور بگونه کلی در تمامی منطقه، تضعیف گردید. در این مورد قابل یادآوری می باشد که با استفاده از وسایل و کاربردهای کلاسیک باید از "قدرت سخت" کار گرفت. چنین وضعیتی بویژه در جریان عملیات نظامی در سوریه بوضوح باثبات رسید. نباید فراموش نمود که موفقیت اینچنینی، اتفاقی بدست نیامد. طی سال ۲۰۱۲، در مورد واقعیت های در شرف تکوین جهانی بحث هایی بعمل آمد. دیپلوماسی های در حال تکوین، در مورد بسیاری از قضایای موجود در جهان، قبل از همه در خور توجه بوده و از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. برای قدرت های بزرگ جهانی، نه تنها امکان حفظ و نگهداری شیوه فرهنگ و کلتور آنها، بلکه استفاده و بکارگیری از آن بمثابه فاکتور ارتقای آن بسوی جهانی نیز امکان پذیر می باشد. صدور رژیم های سیاسی نه، بلکه صدور کالاهای مورد ضرورت کشورها، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد تا پیش از پیش در بستر تحولات اجتماعی، شرایط زندگی و ادامه حیات برای نوع بشر میسر و مهیا گردد.

بشریت مترقی، بیش از پیش با گسترش فعالیت های فرهنگی، اصل معرفت را باید به جهان و جهانیان بنمایش بگذارند. معرفتی که راهها و وسایل بهتر زیستن انسان ها را می آموزاند.

بهبتر شدن اقدامات و فعالیت های دیپلماتیک بمنظور وسعت و گسترش مناسبات و ارتباطات میان مردمان مختلف جهان و دولت ها و حاکمیت های سیاسی کشورها، پهلوی دیگر قضیه موجود را تشکیل می دهد.

در این میان، در مورد نتایج کلی مذاکرات کنونی، به مشکل بتوان به پیشداوری مبادرت ورزید. ممکن، مذاکرات و گفتگوهای یادشده باخذ تصمیمگیری های جامع منجر گردد و یا هم ممکن به اتخاذ تصامیم و سازش های جزئی بیانجامد.

با اینحال، حصول توافق کلی، بگمان اغلب که اساس و بنیاد دستیابی به صلح و آشتی در کشور ما را تشکیل می دهد، بویژه زمانی که حاکمیت سیاسی برخاسته از دل انتخابات دموکراتیک و متکی بر قانون اساسی کشور وارد صحنه سیاسی کشور گردد، بگمان غالب، البته که چنین وضعیتی رضایت خاطر "طالب" ها را بیار نخواهد آورد. معامله جزئی، ممکن زمینه خروج قوت های نظامی خارجی از کشور ما را مهیا نموده و "طالب" ها را بمثابه نیروهای قابل توجه در کشور ما همچنان حفظ نماید. حاکمیت سیاسی کشور، بگمان اغلب که مخالف وضعیت متذکره بوده و در چنین وضعیتی، جنگی که طی بیست سال ادامه داشت ممکن ختم گردد، اما اصل درگیری ها حفظ گردیده و تشنج همچنان تداوم حاصل خواهد نمود.

سوم ماه اگست سال ۲۰۱۹